****

[**www.iran57.com**](http://www.radioazadegan.com/Akhbare%20Rooz%20Apr%202016/www.iran57.com)

**شرابِ خانگی**

****

**منیر طه**

وقتي بهارستان، سرود افشان

به شوق و شور مي‌جوشيد،

وقتي‌كه تابستان شراب خانگي را

از لبِ خورشيد مي‌نوشيد،

وقتي كه پير احمدآبادي

عصاي آهنين برداشت

كفش آهنين پوشيد،

من هم به همراهش به راه افتادم و رفتم

سر را به توفان دل به دريا دادم و رفتم

وقتي كه دستِ سرزمينم را

گرفت و گفت بر پا خيز

ديگر نيارم ديدنت از خون دل لبريز‌

قد راست كن با اهرمن بستيز

تن را رها كن از دهانِ گرگ دندان تيز

دستي كه مي‌افشاند دستي پركرامت بود

پايي‌كه مي‌افشرد پاي استقامت بود

من هم به همراه همين دست و همين پا راه مي‌رفتم

چون من هزاران‌ها هزاران‌ها در اين ره راه مي‌رفتند

پا بپا همراه مي‌رفتند

با اينهمه برخاستن، هم باز، افتادن

آسودن از دندان گرگ و در دهان اژدها ماندن

با اينهمه،

بنگر ستيغ كوه را، بنگر سواران را

كه چون بر توسنِ دل نا شكيبا پاي مي‌كوبند

بنگر خروشِ رودباران را

که چون خاشاك و خس را از ره رهوار مي‌روبند

ونكوور، 30 تير 1385 ـ 21 جولاي 2006

**شراب خانگی: نفت**